

بررسی ملاک درون‌زبانی «حذف نحوی» در ترجمه انگلیسی قرآن کریم  
جلال‌الدین جلالی

### چکیده

تاکنون پژوهش‌های نقد ترجمه و ترجمه‌شناسی پیرامون ترجمه انگلیسی قرآن کریم عوامل و عناصر متفاوتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. مقوله حذف و تقدیر از جمله موارد چالش برانگیز ترجمه است که مورد غفلت بعضی از مترجمان قرآن کریم قرار گرفته است. در این نوشتار کوشش شده است ضمن ارائه تعریفی کلی و جامع از مقوله حذف، انواع حذف و تقدیر با تأکید و تمرکز بر مقوله حذف نحوی (با ارایه ده مورد حذف و تقدیر) مشکلات و موانع موجود در ترجمه انگلیسی واژگان یا عبارات محذوف قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. در این شیوه، (ذکر مقدر)، خوانش و درک آیه‌ها برای گویشوران زبان انگلیسی روان و شفاف می‌شود و ابهامات و خلأهای معنایی و شناختی موجود در ترجمه قرآن تا حدی برطرف می‌گردد. نمونه‌هایی از ترجمه‌های انگلیسی از این سنخ که توسط آربری، ایروینگ، پیکتال، یوسف علی و الهلالی - محسن خان انجام شده، گویای این مطلب مهم است که عدم اشراف مترجم قرآن کریم بر مقوله حذف و تقدیر تا چه حد خواننده زبان مقصد (گویشور انگلیسی) را از درک مفاهیم قرآنی باز می‌دارد. آنچه در ترجمه موجب تحریف می‌شود، افزایش یا کاهش واژگانی / ساختاری نیست، بلکه حصر و قصر مراد الهی در فهم و بستن باب تدبر و اندیشیدن در متن کلام خداوند سبحان به روی دیگران است. این حصر و قصر بیشتر نتیجه ترجمه لفظ به لفظ و متن‌مدار است. بنابراین، این رهیافت ما را از پایبندی

مصراغه به الفاظ، آزاد می‌سازد و افقی تازه در ترجمه انگلیسی قرآن می‌گشاید.

## واژه‌های کلیدی

اختزال، انسجام ساختاری، انسجام کنشی، برون‌زبانی، درون‌زبانی، متن‌مدار، هدف‌مدار.

## مقدمه

یکی از اهداف نزول قرآن کریم، گشودن باب تدبر و اندیشه است. حذف، یکی از راهکارهای زبانی است که در مخاطب انگیزه تفکر و اندیشیدن به وجود می‌آورد. از این روست که در قرآن کریم مقوله حذف بیش از هزار بار و به گونه‌های متنوع مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن کریم در عین ایجاز، از اعجاز ساختاری، معنوی - لفظی و بلاغی ویژه‌ای برخوردار است. این منشور الهی در عین سرشار بودن از آرایه‌های ادبی، برخوردار از سادگی و کوتاهی سخن است. کوتاهی سخن از این جهت که با کمترین واژگان، رساترین و والاترین معانی انتقال داده می‌شود. از بدیع‌ترین نمونه‌های این آرایه ادبی، فرموده خدای سبحان است در سوره اخلاص (قل هو الله احد...) که متضمن آخرین حد تنزیه خداوند باری تعالی است و نیز مشتمل بر رد چهل فرقه و گروه است (سیوطی، الإقتان، ج ۲، ص ۱۷۹). نمونه دیگر، فرموده خدای تعالی است در سوره مبارکه النمل، آیه ۱۸ که می‌فرماید: «حتی اذا أتوا علی واد النمل قالت نملة یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده وهم لایشعرون». در این آیه ۱۱ جنس از کلام مورد استفاده قرار گرفته است: مورچه را ندا کرده (یا)، کنایه زده (ای)، هشدار داده (ها)، نام برده (النمل)، دستور داده (ادخلوا)، حکایت کرده (مساکنکم)، بر حذر داشته (لایحطمنکم)، تخصیص داده (سلیمان)، عمومیت داده (جنود)، اشاره کرده (وهم) و معذور دانسته است (لایشعرون). ضمناً پنج حق واجب را ادا کرده است: حق الله، حق پیامبر خدا، حق خودش و رعیتش و حق لشکریان سلیمان. این فن بدیع و نیز ویژگی اعجازی آن می‌تواند بیانگر این مدعا باشد که مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی سخن را باید از قرآن کریم به سایر جنبه‌های زبان، گسترش و عمومیت بخشید نه به عکس. شایان توجه است که مترجم با نگرش علمی به زبان، و با توجه به جنبه‌های برون‌زبانی و

فرا زبانی، از جمله آگاهی از شرایط حاکم بر موقعیت ارتباطی کلام، مؤلفه‌های معنایی و زیبایی‌شناختی، می‌تواند به ژرفای مفاهیم قرآن کریم به طور نسبی دست پیدا کند. چنانچه رویکرد مترجم قرآن هدف‌مدارانه باشد، قطعاً با نگرش زبان‌شناختی، مقوله حذف و تقدیر را مدنظر قرار می‌دهد و تقدیرها را بر اساس انتخابهای زبان مقصد انجام خواهد داد. در این فرایند، محوریت نقش کارکردی مترجم، شفاف‌سازی مفاهیم و دوری جستن از هر نوع ابهام و آمیختگی کلامی است.

افزودن واژه یا هر واحد سخن با هدف ایجاد شفافیت معنایی در ترجمه قرآن کریم مسلماً از قداست قرآن نمی‌کاهد، چرا که ترجمه قرآن خود قرآن نیست، بلکه برگردان معانی قرآن به زبان مقصد با هدف نزدیک کردن ذهن گویشور زبان مقصد به مفاهیم ژرف قرآنی است. از طرفی، به لحاظ گسترش اسلام در اقصی نقاط گیتی و تغییر شرایط مخاطبان قرآن ضرورت دارد در ترجمه این کلام نورانی، عوامل و اجزای درون‌زبانی به مدد عوامل برون‌زبانی رمزگشایی کرد و از تقید بیش از حد به اصل واژه‌ها در حد ممکن اجتناب کرد. بدیهی است ترجمه لفظ به لفظ در بیشتر موارد به کژفهمی و تحریف بسیاری از مفاهیم و احکام منجر می‌شود. از این جهت از مترجم قرآن انتظار می‌رود ضمن شناخت وظیفه خود مبنی بر تاثیرگذاری ترجمه در نشر هدایت اسلامی میان ملل غیر مسلمان، فلسفه وجودی و راهبردی ترجمه را به مرحله عمل برساند (محمد عبدالغنی حسن، فن الترجمة، ۱۳۷۶).

بدیهی است هر زبان، عناصر معنایی خود را در قالبهای ساختاری ویژه‌ای انتقال می‌دهد. بنابراین، ایجاد تعادل ساختاری و تعادل کنشی سبب برقراری انسجام ساختاری و انسجام کنشی در ترجمه متن می‌شود. برای رسیدن به انسجام ساختاری و کنشی، ویدوسون (۱۹۷۹) مترجم را در نگارش متن به رعایت اصول همکاری پیشنهادی گرایس (H.P. Grice) هدایت می‌کند. در غیر این صورت مترجم متهم به زیاده‌گویی، کم‌گویی و یا مهمل‌گویی می‌شود. به طور کلی، در ترجمه متن توجه به دو اصل زیر ضروری و حایز اهمیت ویژه‌ای است:

۱. انتقال پیام نویسنده (خطاب‌کننده)

۲. شیوه و سازوکار انتقال پیام

مترجم، از سویی در انتقال پیام نگارنده محدود است، ولی از سوی دیگر، در استفاده از شیوه و سازوکارهای انتقال پیام آزاد است. البته این آزادی نسبی در چهارچوب زبان مقصد

## □ ۷ بررسی ملاک درون زبانی... □

تعریف می‌شود که باید و نیاید های خاص آن زبان را دارد. این آزادی صرفاً به لحاظ ایجاد تعادلی پویا (Functional / Dynamic Equivalence) در زبان مقصد، گاه مترجم را به انجام تعدیلات واژگانی/ساختاری (Semantic {lexical} and Structural Adjustments) متعهد و ملزم می‌سازد. این ملاک درون‌زبانی به صرف برقراری تعادل زبانی صورت می‌پذیرد و نباید در جهت هدف دیگری به کار برده شود. مضافاً به اینکه مترجم عملاً ملزم به رعایت و برقراری تعادل میان کنش‌های کلامی زبان مبدأ و زبان مقصد می‌شود. از طرفی، با توجه به فلسفه راهبردی ترجمه که همانا برقراری و تحکیم رابطه میان مردم سراسر جهان است، مترجمان قرآن کریم را موظف به استفاده از ملاکهای نظری و عملی در برقراری و تحکیم این رابطه می‌سازد.

در این نوشتار، تلاش شده تا ضمن ارائه تعاریفی از مقوله حذف، موضوع و گونه‌های آن، به ویژه حذف نحوی (اختزال)، ابتدا در زبان عربی و آنگاه در ترجمه‌های انگلیسی مورد بررسی و کنکاش قرار گیرند. انتخاب نمونه‌ها محدود به ده مورد از پربسامدترین موارد حذف نحوی می‌شود. در بخش ترجمه انگلیسی، از پنج مترجم برجسته قرآن کریم به ترتیب: آبربی (۱۹۷۲)، ایروینگ (۲۰۰۵)، پیکتال (۱۹۷۱)، یوسف علی (۱۹۷۷) و محمد تقی الدین الهالالی و محسن خان (۱۹۹۶) استفاده شده است.

### موضوع حذف

پیش‌تر خاطر نشان شد که ساخت صوری و معنایی زبانها با یکدیگر متفاوت است و هر زبان از نظام ساختی و معنایی ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است واحدهای این نظامهای مستقل (زبانها) در سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و لایه منظورشناختی دارای وجوه اشتراک و افتراق فراوانی هستند.

از بایسته‌های ترجمه قرآن کریم ضمن در نظر گرفتن اصل مذکور (تفاوت ساخت صوری و معنایی زبانها)، توجه به ملاکهای درون‌زبانی به ویژه حذف با استفاده از ملاکهای برون‌زبانی ضروری به نظر می‌رسد. در این فرایند، به لحاظ اینکه انتخابهای مترجم بر محور هم‌نشینی صورت می‌گیرد، گاه این عمل منجر به حذف یا کاهش واژگانی/ساختاری می‌شود. مترجم برای ایجاد تعادل (Equivalency) زبانی باید کوشش کند تا حد ممکن واحدهایی را از انتخابهای نگارنده متن اصلی (زبان مبدأ) بدون حذف اطلاعات به زبان مقصد (زبان مخاطب) انتقال دهد، به گونه‌ای که متن ترجمه تقریباً همان تأثیر متن اصلی را در خواننده به وجود آورد. البته ایجاد تعادل بستگی به نوع و موقعیت برقراری ارتباط، عوامل و اجزای درون‌زبانی/برون‌زبانی و ... در انتقال روح پیام دارد.

از دیگر بایسته‌های ترجمه قرآن کریم، اشرف جامع مترجم بر دستگاه نحوی زبان عربی و شناخت آرایه‌های ادبی به ویژه مقوله حذف نحوی است. حذف در زبان عربی بسیار متداول است و کاربرد آن با هدف آفرینش آرایه ادبی به زیبایی کلام صورت می‌گیرد. بنابراین، تعمیم کاربردی آن در برگردان انگلیسی، بدون توجه به کارایی فرایند ارتباط، به کژفهمی، آمیختگی کلامی و در بسیاری از موارد به تحریف مفاهیم می‌انجامد. از جهتی، تعمیم و تحمیل چنین مقوله‌ای به زبان انگلیسی، علاوه بر آسیبی که بر زیبایی کلام وارد می‌کند، در بیشتر موارد به ابهام و خلأ معنایی می‌انجامد.

### تعریف حذف

انداختن کلمه یا جمله‌ای به قرینه را حذف می‌نامند؛ مثلاً بگوییم: «بزرگی به عقل است نه به سال». در این جمله، پس از کلمه «سال» فعل «است» به قرینه «است» مذکور در سابق حذف گردیده است (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴۵). دانشنامه ویکی‌پدیا (Wikipedia) حذف را این‌گونه

## □ ۹ بررسی ملاک درون زبانی... □

تعریف کرده است: «در زبان‌شناسی، حذف اشاره به هر قسمتی از کلام دارد که بنا به دلایلی از جمله اینکه ذکر آن بخش از کلام موجب اطناب شود، ذکر نمی‌شود». بدیهی است حذف عمداً و با هدف انگیزش تفکر و اندیشه صورت می‌پذیرد. حذف، صنعتی بدیع و آرایه‌ای ادبی است که با هدف اقتصاد کلامی و به عنوان برانگیزنده تفکر از آن استفاده می‌شود. این صنعت کلامی در زبانهای متفاوت تحت شرایط ویژه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در زبان عربی هنگام قرائت آیه ۱۳ از سوره مبارکه انعام که می‌فرماید: «وله ما سکن فی الیل والنهار وهو السميع العليم» به ناگاه متوجه حذف واژه «ما تحرك» می‌شویم (ما سکن و ما تحرك). «ما سکن فی الیل و ما تحرك فی النهار». البته قرینه کردن واژگان و گروه واژه‌ها در حل این مهم راهکار مؤثری است که شم زبانی و نیز آشنایی با فنون و صناعات ادبی را می‌طلبد.

### علل حذف

فرایند حذف به یک یا چند دلیل از دلایل زیر ممکن است در یک واحد سخن روی دهد: ۱. پرهیز از زیاده‌گویی ۲. تفخیم و بزرگ شمردن ۳. سبک کردن عبارت با هدف اقتصاد کلامی ۴. به قصد بیان پس از ابهام ۵. تنگ بودن دایره سخن از توصیف آنچه مشاهده می‌شود ۶. گاه حذف بر تعیین دلالت می‌کند ۷. ذکر مطلب مهم و سپس بیان علت آن ۸. انگیزش و ایجاد تفکر و کنکاش ذهنی ۹. گاهی دلالت بر تصریح آن در جای دیگر می‌کند، مانند: «هل ينظرون إلا ان يأتيهم الله» (آیا انتظار دارند که امر خداوند برای آنها بیاید؟) ۱۰. وجود دلیل حال یا مقال، مانند: «قال سلام قوم منكرون» (الذاریات، ۲۵) که تقدیر آن می‌شود: قال سلام [علیکم انتم] قوم منكرون.

### حذف و تقدیر

به طور کلی، حذف و تقدیر در ترجمه آیه‌های قرآن کریم مشتمل بر دو بخش است: بخش اول در برگیرنده مواردی است که در آن واژه، گروه واژه یا جمله (واره) حذف شده معلوم است و معادل (ساختاری) مشابهی از آن در زبان مقصد وجود دارد. در چنین وضعیتی استفاده از تقدیر در متن ترجمه چه به صورت پاورقی یا داخل کروشه یا پراگماتیک در دست به نظر نمی‌رسد. ولی چنانچه عدم ذکر محذوف در فهم آیه خللی وارد نکند، بهتر است تقدیر آن آیه یا بخشی از آیه با کوتاه‌ترین واژه یا عبارت، داخل کروشه یا پراگماتیک ذکر شود. بخش دوم شامل مواردی است که عدم ذکر مقدر در درک و فهم معنای آیه در زبان مقصد باعث ابهام و خلأ معنایی می‌شود، در چنین حالتی مترجم ملزم به ذکر مقدر در برگردان متن می‌شود. به عنوان مثال، در ترجمه آیه ۲۲ از سوره الفجر که خداوند سبحان می‌فرماید: «وَجَاء رَبُّكَ وَ الْمَلِكُ صَفًا صَفًا» به تقدیر: و جاء امر رَبِّكَ وَ الْمَلِكُ صَفًا صَفًا تعبیر می‌شود. در صورتی که مترجم مقدر را ذکر نکند و توجه خود را به شکل معطوف نماید، ترجمه او خلاف عقل و منطق خواهد بود و اساساً با ایدئولوژی اسلامی منافات خواهد داشت.

در رابطه با مقوله حذف در ترجمه گفته (utterance) به عنوان واحد سخن در گفتمان (discourse) با سه مورد مواجه می‌شویم: (الف) واحد سخنی که حذف در آن الزامی است و ذکر مقدر تکرار و ملال زبانی را سبب می‌شود. در چنین وضعیتی، پیشنهاد می‌شود از ذکر مقدر اجتناب شود. (ب) سخنی که استفاده از مقدر در آن ضروری است و عدم ذکر مقدر در فهم و درک سخن کژفهمی و آمیختگی کلامی را سبب می‌شود. (ج) سخنی که ذکر و عدم ذکر مقدر در آن، مشکل یا خللی به وجود نمی‌آورد. در این نوشتار کوشش شده است به هر سه مورد پرداخته شود، ولی محوریت بررسی بیشتر به گونه دوم اختصاص داده شده است.

### گونه‌های حذف

نحویان حذف را در زبان عربی چهار گونه دانسته‌اند (سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۶): گونه اول اقتطاع است که در آن بعضی از حروف کلمه حذف می‌شود، مانند: «لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي» که در اصل «لكن انا» بوده و همزه «انا» به جهت تخفیف حذف شده و نون در نون دیگر ادغام گردیده است. گونه دوم اکتفاء است و آن در شرایطی به وجود می‌آید که بین دو چیز تلازم و ارتباط

## □ ۱۱) بررسی ملاک درون زبانی...

باشد. در این صورت به یکی از آنها اکتفا و دیگری حذف می‌شود. این مورد غالباً به ارتباط عطفی اختصاص دارد. گونه سوم احتیاج نامیده می‌شود که از بدیع‌ترین و لطیف‌ترین انواع حذف است. در این فرایند، واژه یا گروه واژه‌ای از جمله اول، به دلیل همانندی ساختاری در جمله دوم و از جمله دوم آنچه نظیرش در جمله اول آمده است، حذف می‌شود، مانند: «و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق...» (بقره، ۱۷۱). تقدیر این آیه چنین است: «و مثل الانبیاء و الکفار مثل الذی ینعق و الذی ینعق به». از جمله‌واره اول به جهت دلالت «الذی ینعق»، «الانبیاء» حذف شده و از جمله‌واره دوم به لحاظ دلالت «الذین کفروا» گروه واژه «الذی ینعق» حذف شده است. گونه چهارم حذف اختزال (حذف نحوی) است. در فرایند اختزال، به دلایلی، یک واژه نحوی، گروه واژه، جمله (واره) از یک واحد سخن (گفتمان) حذف می‌شود.

از نظر زبانشناسی، حذف ممکن است در یک یا هر دو سطح زبانی، یعنی واژگان یا ساختار نحوی انجام شود. در حذف واژگانی، واژه یا گروه واژه‌ای در یک واحد سخن تحت شرایط حاکم بر آن زبان حذف می‌شود. بنا به دلایلی که پیش‌تر در مورد حذف نحوی ذکر شد، از یک واحد سخن یک یا چند واحد نحوی مانند: مسندالیه، مبتدا، فاعل، مضاف، خبر یا مسند، فعل، جزای شرط و غیره حذف می‌شود.

از آنجایی که حوزه بررسی این نوشتار محدود به حذف نحوی (اختزال) در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم است، لازم است ابتدا لیستی از انواع و موارد حذف نحوی از نظر جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی ارائه شود، سپس انواع و شرایط حذف در زبان انگلیسی مورد بررسی قرار گیرد و به دنبال آن، نمونه‌هایی از ترجمه‌های انگلیسی همراه با توضیحات ارائه گردد و در معرض قضاوت خوانندگان قرار گیرد.

سیوطی در جلد دوم کتاب *الاتقان فی علوم القرآن*، اختزال (حذف نحوی) مربوط به



تک‌واژه‌ها در قرآن کریم را بیست نوع به شرح ذیل تشخیص داده است: ۱. حذف مضاف ۲. حذف مضاف الیه ۳. حذف مبتدا ۴. حذف موصوف ۵. حذف صفت ۶. حذف معطوف علیه ۷. حذف معطوف یا عاطف ۸. حذف مبدل ۹. حذف فاعل ۱۰. حذف مفعول ۱۱. حذف حال در صورتی که قول باشد ۱۲. حذف منادی ۱۳. حذف عاید ۱۴. حذف مخصوص به مدح «نعم» ۱۵. حذف موصول، در مورد بیش از یک واژه ۱۶. حذف دو مفعول ۱۷. حذف فعل شرط ۱۸. جواب قسم ۱۹. جواب شرط ۲۰. حذف چند جمله.

مایکل سوان (Michael Swan, 1980) بر این باور است که واژگان یا عبارات و حتی جملاتی را که در بافت کلامی مفهومشان درک می‌شود می‌توان حذف کرد. سوان (صص ۱۹۶-۱۹۹) انجام و موارد حذف را در زبان انگلیسی این گونه طبقه‌بندی کرده است:

۱. فاعل (نهاد) به همراه فعل کمکی ۲. موصوف واژه‌ها پس از افعال کمکی در پاسخهای کوتاه ۳. ضمائر شخصی ۴. تکرار فعل کمکی ۵. هنگامی که دو فعل دارای فاعل و مفعول یکسانی باشند ۶. تکرار فاعل ۷. تکرار مفعول ۸. تکرار فعل ۹. تکرار صفت ۱۰. تکرار اسم ۱۱. تکرار کلمات ربط ۱۲. فعل اصلی که به دنبال افعال کمکی می‌آید و ...

چون هدف اصلی این نوشتار بررسی ضرورت ذکر مقدر در ترجمه انگلیسی بعضی از آیه‌های قرآن کریم و تبعات عدم استفاده از مقدر در ایجاد آمیختگی معنایی است، لازم است ابتدا نمونه‌هایی را از انواع حذفی که ذکر مقدر در ترجمه متن انگلیسی آنها آنچنان ضروری به نظر نمی‌رسد ارائه دهیم، سپس به مواردی از حذف که نیاز به تقدیر در متن ترجمه دارد بپردازیم.

اکنون به ذکر سه نمونه از حذف مسندالیه (حذف مبتدا در جمله اسمیه یا حذف فاعل در جمله فعلیه) توجه کنید که آوردن مقدر در ترجمه انگلیسی یا تغییر ساختار راهگشای این معضل خواهد شد. نمونه اول، آیه ۵ از سوره مبارکه فرقان است که خداوند می‌فرماید: «وقالوا اساطیر الاولین اکتبها فیهی تملی علیه بکرة واصیلا».

ترجمه فارسی: و گفتند «این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می‌شود». تقدیر این آیه را می‌توان این گونه بیان کرد: «وقالوا (ای هذا) اساطیر الاولین اکتبها فیهی تملی علیه بکرة واصیلا».

اکنون به ترجمه انگلیسی این آیه و آیات دیگر توجه کنید.

□ ۱۳ بررسی ملاک درون زبانی... □

*They say, "Fairy tales of the ancients that he has had written down, so that they are recited to him at dawn and in the evening." (Arberry)*

*They say, "He has had legends by primitive men written down; they are dictated to him in the early morning and evening!" (Irving)*

*And they say: Fables of the men of old which he hath had written down so that they are dictated to him morn and evening. (Pickthall)*

*And they say: "Tales of the ancients, which he has caused to be written; and they are dictated before him morning and evening." (Yusuf Ali)*

*And they say: "Tales of the ancient, which he has written down: and they are dictated to him morning and afternoon." (Al-Hilali)*

نمونه دوم، آیه ۵۲ از سوره «الذاریات» است که باری تعالی می فرماید:

«كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون».

ترجمه فارسی: این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها به سوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحری است یا دیوانه». تقدیر آیه این گونه است: «كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا (ای هو) ساحر او مجنون».

Even so not a Messenger came to those before them but they said, "A sorcerer or a possessed!" Arberry)

Thus no messenger ever came to those who preceded them unless they said "[He's] a magician or a madman!" (Irving)

Even so there came no messenger unto those before them but they said "A wizard or a madman!" (Pickthall)

Similarly, no message came to the people before them, but they said (of him) in like manner, "A sorcerer, or one possessed!" (Yusuf Ali)

Likewise, no Messenger came to those before them but they said: "A sorcerer or a mad man!" (Al-Hilali)

نمونه سوم، آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره «القارعه» است که خداوند می فرماید:

«و ما ادريك ماهيه \* نار حامية»

ترجمه فارسی: و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟! آتشی است سوزان! تقدیر آیه ۱۱ این گونه می شود: (ای هی) نار حامية

And what shall teach thee what is the Pit! A blazing Fire! (Arberry)

What will make you realize what this will be alike? Scorching fire! (Irving)

Ah, what will convey unto thee what she is! Raging Fire. (Pickthall)  
 And what will explain to thee what this is (It is) a fiercely blazing Fire! (Al-Hilali)

در نمونه‌های اول و دوم، مترجمان از شیوه نقل قول مستقیم به جای ذکر مقدر استفاده کرده‌اند. در اینجا فاعل و فعل را حذف کرده‌اند. این اصل در ساختار زبان انگلیسی تقریباً متداول است. در این شیوه، گویشور زبان انگلیسی صرف نظر از انتخاب و چینش واژگان، همان حسی را دریافت می‌کند که یک گویشور عرب از آیه‌های مذکور. به علاوه، کاربرد ضمیر (he/him) مشکل ارجاع را تقریباً حل کرده است.

مترجمان در نمونه سوم از جواب استفهام استفاده کرده‌اند، تا بدین وسیله از شیوه مشابه حذف در زبان انگلیسی بهره‌برداری بهینه بکنند. لیکن همانطوری که ملاحظه می‌کنید، یوسف علی و الهلالی از مقدر داخل پرائتز استفاده کرده‌اند که ضرورت چندانی ندارد. همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، ذکر مقدر در بیشتر موارد در ترجمه انگلیسی قرآن کریم به یاری عوامل برون‌زبانی ضرورت پیدا می‌کند. هرگونه تساهل در این مورد دریافت‌های غلط و احیاناً اشتباهات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت که قطعاً به زحمات مترجم خدشه وارد خواهد کرد. از جمله این موارد تقدیر مضاف است.

### ۱. حذف مضاف

از این جنی نقل شده که در قرآن کریم نزدیک به هزار مورد حذف مضاف وجود دارد. مانند: «... و فی الرقاب...» آیه ۱۷۷ سوره «البقره» که تقدیر آن: «... و فی تحریر الرقاب» و در (راه آزاد کردن) بندگان می‌شود. اکنون به ترجمه این گروه‌واژه با ذکر مقدر توجه کنید که چگونه گویشور زبان مقصد (انگلیسی) مفهوم را به راحتی و روشنی درک می‌کند.

- ...and to ransom the slave... (Arberry)
- ...and towards freeing captives... (Irving)
- ...and to set slaves free... (Pickthall)
- ...and for the ransom of slaves... (Yusuf Ali)
- ...and to set slaves free... (Al-Hilali)

## □ ۱۵ بررسی ملاک درون زبانی... □

حذف مضاف در موردی انجام می شود که دلیلی روشن و قرینه‌ای واضح و آشکار بر آن دلالت داشته باشد. این گونه حذف در زبان عربی کاربرد فراوانی دارد، ولی کاربرد آن در زبان انگلیسی سخن را مبهم، غیر منطقی و خلاف واقع می‌کند. بنابراین، ذکر مقدر در ترجمه انگلیسی متن به جهت رفع این معضل الزامی به نظر می‌رسد.

به نمونه دوم از این سنخ توجه کنید. «و سئل القرية التي كنا فيها و...» (یوسف، ۸۲)  
ترجمه فارسی: و از [مردم] شهری (آبادی) که در آن بودیم و ..... جو یا شو.

(Enquire of the city wherein we were, and ... (Arberry)  
(Ask the town [’s folk] where we have been and ... (Irving)  
(Ask the township where we were and ... (Pickthall)  
(Ask at the town where we have been and ... (Yusuf Ali)  
And ask (the people of) the town where we have been, and ... (Al-Hilali)

در این بخش از آیه «و سئل القرية» منظور سؤال کردن از اهل قریه (مردم آبادی) است نه خود قریه. سؤال کردن از قریه (آبادی) غیر منطقی به نظر می‌رسد. در تحلیل مؤلفه‌های معنایی در معناشناسی، ارتباط سؤال کردن (آسئل) با مخاطب بیجان (city, town township) غیر معقول است. بنابراین، ترجمه آربری، پیکتال و یوسف علی در این مورد ناصواب است؛ ولی تقدیری راکه ایروینگ و الهالالی داخل گروه یا پیرانتز انجام داده‌اند، درست و هدف‌مدارانه است.

اکنون به سه مورد از مواردی است که عدم ذکر مقدر در انتقال پیام مفهوم کلی سخن را آشفته می‌کند توجه کنید.

الف: «و جاء ربك والملك صفًا صفًا» (الفجر، ۲۲)  
ترجمه فارسی: و (فرمان) پروردگارت و فرشته (ها) صف در صف آیند.

and thy Lord’s comes, and the angels rank on rank (Arberry)  
and your Lord comes with the angels, row upon row, (Irving)  
And thy Lord shall come with angels, rank on rank, (Pickthall )  
And thy Lord cometh, and His angels, rank upon rank. (Yusuf Ali)  
and your Lord comes with the angels in rows. (Al-Hilali)

ب: «حرمت علیکم المیتة و الدم و...» (المائدة، ۳)

ترجمه فارسی: (گوشت) مردار، خون و... بر شما حرام شده است.

These things has He forbidden you: carrion, blood (Arberry)  
 Forbidden to you is anything that dies by itself, and blood and (Irving)  
 Forbidden unto you (for food) are carrion and blood, and (Pickthall)  
 Forbidden to you (for food) are: dead meat, blood, (Yusuf Ali)  
 Forbidden to you (for food) are: Al-Maitah (the dead animals-cattle-best not slaughtered), blood, ... (Al-Hilali)

ج: حرمت علیکم امهتکم و... (النساء، ۲۳)

ترجمه فارسی: نکاح (اینان) بر شما حرام شده است: مادرانتان و...

Forbidden to you are your mothers, (Arberry)  
 Forbidden to you {in marriage} are your mothers, ... (Irving)  
 Forbidden unto you are your mothers ... (Pickthall)  
 Prohibited to you (for marriage) are your mother, (Yusuf Ali)  
 Forbidden to you (for marriage) are: your mothers, ... (Al-Hilali)

متأسفانه تمام ترجمه‌های مورد اول، خلاف منطقی و در تعارض با فلسفه و روح اعتقادی اسلام انجام شده‌اند. آنچه از ژرفای معنی آیه درک می‌شود، رسیدن فرمان خداوند سبحان است. ولی در ترجمه (your Lord, thy Lord) یعنی «خداوندگار تو»، «رب تو» آمده است که با باورهای اسلامی منافات دارد. ناگفته پیداست که عقل دلالت بر محال بودن آمدن خداوند می‌کند؛ چون این از نشانه‌های حادث است. بنابراین آنچه می‌آید «فرمان اوست». این سنخ ترجمه نه تنها کمکی در انتقال پیام به مخاطب نمی‌کند، بلکه آشفتگی فکری و سردرگمی را سبب می‌شود. این معضل با استفاده از واژه command یا order داخل گروه یا پیرانتز بعد از افزودن مالکیت به کلمه Lord برطرف می‌شود.

در برگردان آیه ۳ سوره «مائده»، آربری و ایروینگ «میت» را حرام دانسته‌اند، اما پیکتال، یوسف علی و هلالی خوردن میت را حرام دانسته‌اند. بدیهی است در اسلام، خوردن میت (مردار) حرام است نه خود مردار. در همین راستا، از برگردان واژه «حرمت» در سوره «نساء» توسط آربری و پیکتال «حرام شدن مادران» دریافت می‌شود نه نکاح (با آنان). لیکن ایروینگ، یوسف علی و هلالی با درک موضوع و دریافت ژرفای واژه، در ساختار و بافتار، با استفاده از گروه واژه for marriage انتقال مناسب و شایسته‌ای ارائه داده‌اند.

## ۲. حذف فعل

حذف فعل معمولاً براساس ظرفیت‌های زبان صورت می‌گیرد. حذف فعل (اصلی) در زبان انگلیسی در شرایطی صورت می‌گیرد که به دنبال فعل کمکی آمده باشد. ولی در زبان عربی حذف فعل اصلی به لحاظ زیبایی کلام و آفرینش آرایه ادبی انجام می‌شود. به عنوان مثال، به ترجمه آیه‌های ۲۳ و ۲۴ از سوره «الرعد» دقت کنید:

«جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذرئتهم و الملائكة يَدْخُلون عليهم من كل باب \* سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ....»

ترجمه فارسی: [همان] بهشت‌های عدن که آنان با پدران و همسران و فرزندان‌شان که درستکارند در آن داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری برآنان در می‌آیند [و به آنان می‌گویند] «درود بر شما...»

Gardens of Eden (perpetual abode) which they shall enter and those who righteous of their fathers, and their wives and their seed and the angels shall enter them from every gate peace be upon you (Arberry)

Garden of Eden which they will enter, as well as anyone who has acted honorably among their offspring. Angels will come in on them by every gate Peace be upon you... (Irving)

Gardens of Eden which they enter, along with all who do right of their fathers and their helpmeets and their seed. The angels enter unto them from every gate, saying Peace be unto you (Pickthall)

Gardens of perpetual bliss they say enter there, as well as the righteous among their fathers, their offspring and angels shall enter unto them from every gate (with the salutation) Peace unto you (Yusuf Ali)

And (Eden) paradise (everlasting Gardens), which they shall enter and (also) those who acted righteously from among their fathers, and their wives, and their offspring. And angels shall enter unto them from every gate (saying) "Salamun Alaikum (peace be uponyou)... (Al-Hilali)

همان طوری که ملاحظه می‌کنید، آربری با تمسک به شکل متن زبان مبدأ از وجود یا عدم وجود مقوله حذف غفلت کرده است. در نتیجه هیچ گونه تعادل نقشی در ترجمه او دیده نمی‌شود. پیکتال و هلالی با استفاده از واژه saying (قالوا) تقدیر آیه را با موفقیت به انجام رسانده‌اند، ولی ایروینگ و یوسف علی از شیوه نقل قول با استفاده از گیومه سعی در انتقال

پیام داشته‌اند. البته این شیوه تا چه حد در انتقال پیام موفق است جای بحث و تأمل دارد.

### ۳. حذف خبر یا مسند

در زبان عربی، گاه به دلیل معلوم بودن مورد یا موارد حذف و به لحاظ انتقال معانی بیشتر و شاید به دلیل روانشناختی که همانا انگیزش تفکر و ایجاد فرایند فعالیت ذهنی در مخاطب است، خبر جمله حذف می‌شود. به عنوان مثال، به آیه ۳۵ از سوره مبارکه «الرعد» توجه کنید که می‌فرماید:

«مثل الجنة التي وعد المتقون/تجری من تحتها الأنهارُ اكلها دائم و ظلها».  
ترجمه فارسی: وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [این بهشت که] از زیر [درختان] آن نهرها روان است، میوه و سایه‌اش پایدار است.»  
در این آیه خبر «ظلها» به جهت معلوم بودن حذف شده است. تقدیر این آیه چنین است:  
«مثل الجنة التي وعد المتقون تجری من تحتها الأنهارُ اكلها دائم و ظلها دائم».  
اکنون به برگردان انگلیسی آیه دقت کنید.

The likeness of Paradise, that is promised to the god-fearing beneath it rivers flow its produce is eternal, and its shade (Arberry)

[Here] is what Garden which the heedful are promised will be like: rivers will flow through it its food and its shade shall be perpetual. (Irving)

A similitude of the Garden which is promised unto those who keep their duty (to Allah) Underneath it rivers flow (its food is everlasting, and its shade (Pickthall)

perpetual is the fruits there of and the shade therein ؛beneath it flow rivers \*The parable of the Garden which the righteous are promised (Yusuf Ali)

The description of the paradise which the Muttaqun (the pious) have been promised: Underneath it rivers flow, its provision is eternal and so its shade Al-Hilali)

آربری از کلمه ربط همپایه and در جهت ارتباط جمله‌واره مستقل با گروه واژه اسمی استفاده کرده است. او از همخوانی و تناسب موجود بین «اكلها» و «ظلها» غفلت کرده است. این طور می‌توان استنباط کرد که رویکرد آربری متن مدارانه است. پیکتال حذف را با التزام به

## □ ۱۹ بررسی ملاک درون زبانی... ۱۹

متن زبان مبدأ و بدون توجه به اینکه کلمه ربط همپایه (and) می تواند «اکلها» و «ظلها» را به هم ربط دهد، متن مدارانه آیه مذکور را ترجمه کرده است. ولی ایروینگ توجه خود را معطوف به ربط دو واژه همپایه کرده است. بنابراین ترجمه او براساس شکل جمله در زبان مقصد صورت گرفته است. صرف نظر از اشکال در انتخاب و چینش واژگان، یوسف علی با تاکید بر واژه «دائم» (perpetual) تلاش کرده است حذف را به نحوی اعمال نماید، ولی الهاللی با استفاده از واژه تصدیقی (so) حذف را به طور شایسته منظور داشته است. نکته قابل تأمل در این وضعیت و شرایط زبانی این است که حذف خبر در برگردان انگلیسی امکان پذیر است، مشروط به اینکه ملاک انتخاب و کاربرد شکل (form) جمله، زبان هدف (مقصد) باشد.

### ۴. حذف موصوف

گاهی موصوف به جهت روشن و شفاف بودن موضوع حذف می شود. به آیه ۴۸ از سوره «الصفات» توجه کنید که چگونه مفهوم «قصرت الطرف عین» ذهن مخاطب را به واژه توصیف شده «حور / همسر» نزدیک می کند.

«و عندهم قصرت الطرف عین»

ترجمه فارسی: «و نزد آنها حوربانی (همسرانی) اند زیباچشم که جز به شوهران خود عشق نمی ورزند.»

حال به ترجمه انگلیسی آیه توجه کنید و ببینید که مترجمان در مقابل این حذف چه معادلی ارائه داده اند.

And with them wide eyed maidens restraining their glances (Arberry)  
With them will be bashful women whose eyes will sparkle (Irving)  
And with them are those of modest gaze, with lovely eyes (Pickthall)  
And beside them will be chaste women, restraining their glances, with big eyes (of wonder and beauty) (Yusuf Ali)  
And beside them will be Qasirat-at-tarf chaste female (wives) restraining their glances (desiring none except their husbands) with wide and beautiful eyes. (Al-Hilali)



گویشور زبان مبدأ، واژه وصف شده «حور» را با استفاده از گروه واژه «قاصرات الطرف» حدس می‌زند، از این جهت حذف آن را ضروری تشخیص می‌دهد. ولی ظرفیتهای موجود در زبان انگلیسی این گونه حذف را جایز نمی‌داند. از این رو ذکر مقدر (در متن ترجمه) در چنین شرایطی الزامی به نظر می‌رسد.

در ترجمه‌های فوق، به استثنای پیکتال که به طور نامشخص ضمیر *those* را به عنوان معادلی برای گروه واژه «حورقصرت» گزینش و پیشنهاد کرده است، دیگر مترجمان با ارائه تقدیر آیه تا حدی مشکل فهم موضوع را برای گویشوران انگلیسی برطرف کرده‌اند.

### ۵. حذف معطوف علیه

در زبان عربی، واژه متلازم، با هدف اقتصاد کلامی و جلوگیری از تکرار حذف می‌شود. به آیه ۶۳ از سوره مبارکه الشعراء توجه کنید که چگونه واژه «فضرِب» قبل از «فانفلق» حذف شده است:

«فاوحینا الی موسی ان اضرب بعصاک البحر فانفلق فکان کل فرق کالطود العظیم»  
ترجمه فارسی: «و به دنبال آن به موسی وحی کردیم «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد) و دریا از هم شکافته شد و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!»  
در این آیه واژه «فضرِب» به دلیل کاربرد «اضرب» در جمله‌واره قبلی حذف شده است. این آیه را می‌توان به چهار جمله‌واره به صورت زیر تقطیع کرد:  
۱. فاوحینا الی موسی ۲. ان اضرب بعصاک البحر ۳. فضرِب فانفلق ۴. فکان کل فرق کالطود العظیم.

دلیل این تقطیع (segmentation) صرفاً رفع ابهام معنایی و نشان دادن علت حذف معطوف علیه است. حال ببینیم آیا برگردانهای انگلیسی ترجمان شرایط حاکم بر این واحد(های) سخن شده‌اند؟

Then We revealed to Moses, strike with thy staff the sea and it clave, and each part was as a mighty mount. (Arberry)

So We inspired Moses as follows "Strike the sea with your staff!" It opened up and each section was like a huge cliff. (Irving)

Then We inspired Moses, saying Smite the sea with thy staff. And it

parted, and each part was as a mountain vast. (Pickthall)

Then We told Moses by inspiration, "Strike the sea with thy rod. "So it divided, and each separate part became like the huge, firm mass of a mountain. (Yusuf Ali)

Then We revealed to Musa (Moses) (saying) Strike the sea with your stick." And it parted, and each separate part (of that sea water) became like huge mountain. (Al-Hilali)

در ترجمه‌های فوق، توجه مترجمان بر شکافته شدن دریا معطوف شده است. به عبارتی، تمرکز معنایی بر مفعول معطوف شده و عملی که حضرت موسی (ع) انجام داده، مورد توجه مترجمان قرار نگرفته است. به علاوه، باید توجه کرد که شکافته شدن دریا معلول با عصا ضربه زدن حضرت موسی (ع) است. مترجمان امر خدای سبحان به حضرت موسی را به صورت نقل قول مستقیم داخل گیومه به کار برده‌اند؛ اما متعاقب آن شکافته شدن دریا را آورده‌اند که خود معلول عمل با عصا ضربه زدن است. در این راستا، نکته قابل توجه و تأمل، پرداختن مترجمان به روساخت آیه (زبان مبدأ) و ارائه ترجمه متن مدارانه است که اصولاً غیرمنطقی و بدور از نگرش‌های عالمانه است.

#### ۶. حذف معطوف با عاطف

«لايستوى منكم من انفق من قبل الفتح و قاتل...» (الحديد، ۱۰)

ترجمه فارسی: «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند».

در این آیه خداوند دو طبقه از مسلمانان را مقایسه کرده و فرموده است که این دو یکسان نیستند: آنانی که قبل از فتح مکه انفاق و نبرد کردند و آنانی که بعد از فتح مکه انفاق و نبرد نمودند. تقدیر آیه چنین است: «لايستوى منكم من انفق من قبل الفتح و قاتل و من انفق بعده». بنابراین، در ترجمه این آیه استفاده از مقدر ضروری است. البته واژه کلیدی «لايستوى» ما را به مقایسه قبل و بعد هدایت می‌کند.

Not equal is he among you who spent, and fought before the victory. (Arberry)

Those among you who have spent and fought before the victory are equal. (Irving)

Those who spent and fought before the victory are not upon a level (with the rest of you) (Pickthall)

Not equal among you those who spent (freely) and fought, before the Victory, (with those who did so later). (Yusuf Ali)

Not equal among you are those who spent and fought before the conquering (of Makkah, with those among you who did so later). (Al-Hilali)

آربری و ایروینگ نامساوی بودن را قید کرده‌اند ولی بدون توجه به محذوف فقط به یک مورد پرداخته‌اند و آن اشاره به کسانی می‌کند که قبل از فتح مکه انفاق نموده و جنگ کرده بودند. پیکتال کسانی را که قبل از فتح مکه انفاق و جنگ کرده‌اند با بقیه مقایسه کرده است (with the rest of you) که به علت عمومیت، بخشی منطقی به نظر نمی‌رسد. یوسف علی و الهاللی اشاره به هر دو مورد، یعنی آنانی که قبل از فتح مکه انفاق و جنگ کرده‌اند با آنانی که بعد از فتح مکه (انفاق کرده‌اند و جنگیده‌اند) دارند. بنابراین، ترجمه آربری و ایروینگ به دلیل عدم ذکر مورد دوم در حالتی که مقایسه در آن صورت گرفته است، نادرست به نظر می‌رسد. ولی برگردان یوسف علی و الهاللی به لحاظ ذکر هر دو مورد (قبل و بعد از فتح مکه) منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

#### ۷. حذف مفعول

خوانش منسجم، ارتباطات کلامی و غیر کلامی و همچنین انسجام ذهنی به دلیل عطف را می‌طلبد. خواننده دقیق متن با استفاده از این ساز و کار خلأهای فیزیکی متن را پر می‌نماید. به عنوان مثال مخاطب با استفاده از اطلاعات قبل و بعد آیه ۱۵۲ از سوره «الاعراف» پی خواهد برد که قوم بنی اسرائیل گوساله‌ای را معبود خود قرار داده بودند. با چنین پیش‌انگاره‌هایی، مخاطب به آسانی متوجه حذف واژه «الها» که نقش مفعولی دارد، می‌شود. «ان الذین اتخذوا العجل» تقدیر این آیه چنین است: ان الذین اتخذوا العجل=الها=آنانی که گوساله را معبود خویش قرار دادند.

به ترجمه‌های زیر توجه کنید.

Surely those who took to themselves the Calf (Arberry)

Those who accepted the Calf (Irving )

Lo! Those who chose the calf (for worship) (Pickthall)

Those who took the calf (for worship) (Yusuf Ali)  
Certainly, those who took the calf (for worship) (Al-Hilali)

آربری و ایروینگ حذف را با توجه و التزام به شکل ظاهری آیه (زبان مبدأ) انجام داده‌اند. در اینجا، گویشور انگلیسی متوجه نمی‌شود که آنها (قوم بنی اسرائیل) گوساله را برای چه پذیرفتند. ولی پیکتال، یوسف علی و الهلالی مفهوم واقعی را با استفاده از گروه واژه اضافی (for worship) داخل پرانتز به روشنی انتقال داده‌اند.

#### ۸. حذف عاید

«و اتقوا یوما لاتجزی نفس عن نفس شیئاً» (البقرة، ۴۸)

ترجمه فارسی: «و از روزی بترسید که هیچ کس، دیگری را از چیزی بی‌نیاز نمی‌کند». همان طوری که ملاحظه می‌شود، واژه «فیه» در این آیه عاید است که ذکر آن در متن زبان مبدأ ضرورتی را ایجاد نمی‌کند. برای ایجاد تعادل در متن زبان انگلیسی به جای عاید زبان مبدأ (عربی) از ضمیر موصولی (when) می‌توان استفاده کرد. در واقع عاید در زبان مقصد (انگلیسی) حذف نمی‌شود، بلکه ضمیر ربطی به عنوان مقدر جایگزین عاید می‌شود. حال به ترجمه انگلیسی آیه فوق و فرایند جایگزینی ضمیر موصولی توجه کنید.

and beware of a day when no soul for another shall give satisfaction  
(Arberry)

Heed a day when no soul will compensate for any other soul in any way.  
(Irving)

And guard yourselves against a day when no soul will in aught avail  
another (Pickthall)

Then guard yourselves against a day when one soul shall not avail another  
(Yusuf Ali)

And fear a Day (of judgment) when a person shall not avail another  
(Al-Hilali)

در ترجمه‌های فوق به جای واژه نقش‌آفرین عاید (فیه) از ضمیر ربطی (when) با مرجعیت (day) استفاده شده است. در واقع، حذفی در اینجا صورت نگرفته است، بلکه به لحاظ ایجاد تعادلی پویا، از جمله‌واره قیدی استفاده شده است. نتیجه اینکه به جای عاید

(زبان عربی) در ترجمه متن انگلیسی می توان از جمله‌واره قیدی استفاده کرد.

## ۹. حذف موصول

موصول در صورت تکرار در یک واحد سخن (جمله) حذف آن ضرورت پیدا می‌کند. این مورد در زبان انگلیسی مصداق ندارد؛ در نتیجه ذکر مقدر الزامی است. برای دریافت بیشتر این موضوع به آیه ۴۶ از سوره مبارکه العنکبوت توجه کنید: «و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم...»

ترجمه فارسی: «... و بگوئید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوریم».

تقدیر آیه چنین است: «و قولوا امنا بالذی انزل الینا و الذی انزل الیکم...»

اکنون ببینیم مترجمان انگلیسی خود را ملزم به ذکر مقدر کرده‌اند؟

And say, we believe in what has been sent down to us, and what has been sent down to you. (Arberry)

Say: "We believe in what has been sent down to us and what has been sent to you. (Irving)

And say: We believe in that which hath been revealed unto us and revealed unto you (Pickthall)

but say, "We believe in the revelation which has come down to us and in that which came down to you. (Yusuf Ali)

...and say (to them) We believe in that which has been revealed to us and revealed to you, ... (Al-Hilali)

ملاحظه می‌کنید که در آیه مذکور به علت وجود تلازم و ارتباط بین جمله‌واره «الذی انزل الینا» و جمله‌واره «الذی انزل الیکم»، به واژه «الذی» جمله‌واره اول اکتفا شده و موصول «الذی» در جمله‌واره دوم حذف شده است. چنین بافتی در زبان عربی شرایط حذف را فراهم می‌کند.

در زبان انگلیسی کلمه ربط همپایه (and) قاعداً دو جمله‌واره وصفی (adjective clause) را با ساختاری مشابه به هم مرتبط می‌کند. در ترجمه آربری و یوسف علی، تقدیر ضمیر موصولی طبق این اصل صورت گرفته است، لیکن در ترجمه ایروینگ، پیکتال و

الهاللی چنین ساختاری به چشم نمی خورد.

### ۱۰. حذف جواب شرط

گاهی جمله شرطیه حذف و جواب/جزای شرط عنوان می شود و گاهی به عکس. در آیه ۲۰ از سوره مبارکه «النور» خدای سبحان می فرماید: «ولولافضل الله علیکم و رحمته» ترجمه فارسی: اگر فضل خداوند و رحمت او بر شما نبود، «مجازات سختی دامتان را می گرفت».

در اینجا، جمله شرط ذکر شده ولی جواب یا جزای شرط (لعذبکم) حذف گردیده است. معادل چنین سازه‌ای در زبان انگلیسی وجود ندارد و استفاده از پرانتز یا گیومه و ذکر مقدر راهکار مناسبی است. اکنون به ترجمه‌های این آیه و تبعات نادیده گرفتن محذوف در برگردان انگلیسی توجه کنید.

But for God's Bounty to you and His Mercy (Arberry)

How would it be without God's bounty and mercy towards you (all)?  
(Irving)

Had it not been for you the grace of Allah and His mercy unto you... (ye had been undone) (Pickthall)

Were it not for the grace and mercy of Allah on you (ye would be ruined indeed) (Yusuf Ali)

And had it not been for the Grace of Allah and His Mercy on you (He would have hastened the punishment upon you)! (Al-Hilali)

پیکتال، یوسف علی و الهاللی با دریافت این نکته که جمله‌واره جواب شرط پیوسته با جمله‌واره شرط همراه است، جمله‌واره جواب/جزای شرط را داخل پرانتز آورده‌اند. ولی آربری از گروه‌واژه به جای جمله شرطی استفاده کرده است. ظاهر امر نشان دهنده این نکته است که آربری به شکل (form) پرداخته است و از عوامل برون زبانی برای حل این معضل استفاده نکرده است. ابروینگ وضعیت را به شکل سؤال مطرح کرده که این خود نشانگر گرایش او به انتقال مفهوم و پرداختن به محتواست.

### نتیجه گیری

زبان‌شناسی کاربردی، زبانها را از نظر ساخت صوری و معنایی بایکدیگر متفاوت می‌داند. این تفاوت (ها) در مواردی امکان دستیابی به انتخابهای نگارنده متن اصلی (زبان مبدأ) را برای مترجم و انتقال آن به مخاطب مشکل می‌کند. از جمله مشکلات دستیابی به انتخابهای متن اصلی، افزایش یا کاهش واژگانی است.

حذف نوعی کاهش واژگانی و از ملاکهای درون‌زبانی است که تقدیر آن با ملاکهای برون‌زبانی امکان‌پذیر است. حذف زمانی صورت می‌گیرد که میان دو چیز تلازم و ارتباط باشد. در صورت وجود چنین حالتی به یکی اکتفا و دیگری حذف می‌شود. باید توجه داشت که کاهش واژگانی به جهت دلیل اختصار (حذف) است، و در صورت نبودن دلیل اختصار گفته می‌شود.

قرآن کریم سرشار از آرایه‌های ادبی از جمله حذف است. یکی از دلایل کاربرد حذف در این منشور الهی، وادار کردن خواننده (مخاطب) به تفکر و تعقل است. سیوطی گونه‌های حذف در قرآن کریم را بیست نوع دانسته است. انواع حذف با توجه به ماهیت نشانه‌های زبانی به سه دسته تقسیم می‌شوند. حذفی که در واحد سخن الزامی است و نیاز به تقدیر ندارد؛ حذفی که در واحد سخن ایجاد ابهام می‌کند و ذکر مقدر در این واحد ضروری است؛ واحد سخنی که حذف یا ذکر مقدر در فهم و درک آن واحد تاثیر قابل توجهی ندارد. در این نوشتار بیشتر به مواردی پرداخته شده است که ذکر مقدر در ترجمه انگلیسی الزامی به نظر می‌رسد. این موارد مشتمل بر حذف مضاف، حذف فعل، حذف خبر یا مسند، حذف موصوف، حذف معطوف علیه، حذف معطوف با عاطف، حذف مفعول، حذف موصول، و حذف (جمله‌واره) جواب شرط می‌شود.

در ترجمه هدف‌مدار و نقش محور، واحد سخنی که ذکر مقدر در زبان مقصد ضرورت دارد، باید مدنظر مترجم باشد. عمل تقدیر (ذکر محذوف) در ترجمه زمانی صورت می‌پذیرد که مترجم در شرایطی در ترجمه خود واحد(هایی) از انتخابهای نگارنده را بدون حذف اطلاعات انجام دهد. مترجم برای انتقال روح اثر باید کوشش کند تنها به برگردان لایه درونی متن زبان مبدأ بسنده کند، بلکه هر دو لایه درونی و برونی زبان مبدأ و مقصد را مدنظر قرار دهد.

## □ ۲۷ بررسی ملاک درون زبانی... □

نگارنده به این نتیجه رسیده است که مترجمان قرآن کریم به ویژه الهلالی و یوسف علی، بجز در مواردی، با اشراف بر مقوله حذف به روشنی تقدیر بسیاری از آیه‌هایی را که در برگیرنده حذف هستند در ترجمه خود ارائه داده‌اند. به طور کلی، ترجمه این دو مترجم را می‌توان هدف‌مدار تلقی کرد. دیگر مترجمان (آربری، پیکتال و ایروینگ) برگردانهای خود را به جهت پایبندی به شکل (form) زبان مبدأ، متن‌مدارانه ارائه داده‌اند.

□

### منابع فارسی

- حائری قزوینی، سید مهدی، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن (جلال الدین عبد الرحمن سیوطی)، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- محمد عبدالغنی حسن، فن الترجمة، ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- فولادوند، محمدمهدی، قرآن مجید، قم، دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی (شش جلدی). جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (آیت الله)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.

### منابع انگلیسی

- Arberry, A.J. *The Koran Interpreted*, Oxford University Press, London, 1972.
- Al-Hilali, M.T. & Muhsin Khan, M. *The Noble Qur'an*, Riyadh, Saudi Arabia, Darussalam Publishers & Distributors, 1996.
- Irving, T.B. *The Qur'an (The Noble Reading)*. Tehran, International Publishing Co., 2005.
- Nida, E.A. & Taber, C. *Theory and Practice of Translating*, Brill, Leiden, 1969



Pickthall, M. *The Meaning of the Glorious Qur'an*, Beirut, Dar Al-Kitab Allubnani, 1971.

Swan, Michael. *Practical English Usage*. London, Oxford University Press, 1980.

Widdowson, H.G. *Explorations in Applied Linguistics*. London, Oxford University Press, 1979.

Yusuf Ali, A. *An Interpretation of the Holy Qur'an*, Lahore, <http://Wikipedia.org/wiki>

■

